

ILO ، کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری

اسلامی بگذارند و برای سرمایه‌گذاری، خواهان ضمانت‌های قانونی کافی باشند و از جاری شدن معیارها و مقررات مورد نظر خود به ویژه در زمینه مناسبات بین کارگر و کارفرما اطمینان حاصل کنند. درجه تطابق مناسبات و مقررات جاری در جمهوری اسلامی با این معیارها و بالاخص اجرای آن و یا به تعبیر دیگر حصول به چنین اطمینانی نه از طریق سرمایه‌داران منفرد، بلکه از طریق ارگان‌های سیاسی بین‌المللی که عموماً تحت نفوذ انحصارات مالی جهانی و پیش‌برنده سیاست‌های همین انحصارات هستند، تعقیب و پی‌گیری می‌شود. سازمان بین‌المللی کار (ILO) که برحاصل و چکیده‌ی تجربه سرمایه‌داری جهانی در زمینه شرایط کار و روابط بین کارگر و کارفرما اشراف دارد، وظیفه انتقال این معیارها به کشور-های توسعه نیافته و محک زدن آن با شرایط

چندین سال است که جمهوری اسلامی به منظور غلبه بر بحران فزاینده اقتصادی، دست کمک به سوی سرمایه‌داران و اساساً سرمایه‌های خارجی و بین‌المللی دراز نموده است. مسئله‌ی درخواست وام و کمک و سرمایه‌گذاری از سوی نهادهای انحصاری مالی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و همچنین پذیرفته شدن جمهوری اسلامی در سازمان تجارت جهانی (WTO) موضوعی است که بلافاصله بعد از پایان جنگ ایران و عراق و از همان اوایل ریاست جمهوری رفسنجانی مطرح بود. این جهت‌گیری هرچند که مسیر مستقیم و هموار و بلامانعی را طی نکرد و فراز و فرودهایی را در پی داشت، اما با روی کار آمدن خاتمی و به ویژه در چند سال اخیر بسیار شدیدتر شده و جنبه‌های عملی آن نیز پررنگ‌تر شده است. بدیهی است که سرمایه‌داران و انحصارات بین‌المللی، شرط و شروط خویش را جلوی پای جمهوری

ILO ، کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری

و روابط جاری در این کشورها بر عهده دارد. جمهوری اسلامی به فراخور میزان امتیازات مختلف مالی و قانونی به سرمایه داران و تشدید فشار بر کارگران و ارزان سازی شرایط استثمار، طی چند سال اخیر توانسته است توجه این نهاد بین المللی و بخشا رضایت آن را جلب کند و با امضا بیش از ده مقاله نامه محوری سازمان بین المللی کار، به هموارسازی مسیر سرمایه گذاریها به ویژه سرمایه گذاری خارجی همت گماشته است. پیروسه فعالیت جمهوری اسلامی طی دو ده سال گذشته در رابطه با ILO ارائه گزارشات در مورد حقوق پایه‌ای کار و تشکل های کارگری و کارفرمایی و نقش دولت در آن از یک سو و اظهار نظر های مسئولین و کارشناسان سازمان بین المللی کار در مورد این گزارشات و قیاس آن با استانداردهای بین المللی، گویای چانه زنی های دوجانبه میان آنها و پیشرفت این پیروسه است. در خردادماه سال جاری نیز صفدر حبیبینی وزیر کار رژیم در نودمین اجلاس سازمان بین المللی کار شرکت نمود و طی سخنانی، ر سماخواساتاره همکاری های فنی و کارشناسی این ارگان برای برداشته شدن موانع موجود از سر راه ورود جمهوری اسلامی به WTO و به قول این وزیر "بهره مند شدن از یک سهم عادلانه از تجارت جهانی" گردید. حضور کنونی نمایندگان ILO در تهران نیز در واقع امر ادامه همین پیروسه و برای تکمیل و نهایی کردن آن است.

از اوایل مهرماه هیئت های اعزامی ویژه ی سازمان بین المللی کار در ایران به سر می برند. این هیئت ها به سرپرستی "برنارد جرنیکان" مدیر کل آزادی تشکل های سازمان بین المللی کار و معاونت "کاری تاپیولار" در همایشی که تحت عنوان "تخصیص همایش ایران و سازمان بین المللی کار" نقش مقاله نامه های بنیادین در روند تکامل حقوق کار در ایران "برگزار گردید شرکت کردند. نمایندگان اعزامی ILO هم در این همایش وهم در دیدارهای متعدد خود با مسئول روابط کاروزارت کار و امور اجتماعی معاون امور بین المللی وزارت کار، مسئول روابط بین المللی خانه کارگر، دبیر کانون عالی شوراهای اسلامی کار و برخی دیگر از دست اندرکاران خانه کارگر و مسئولین وزارت کار به گفتگو پرداختند. تا در این گفتگوها از یک سو از درجه رسیدگی و آمادگی شرایط پذیرش کنوانسیون های شماره ۹۸ و ۸۷ سازمان بین المللی کار ارزیابی عینی تری به دست آورند و از سوی دیگر بتوانند به آن گرایشی که معیارها و شرایط نهادهای بین المللی را راحت تر و بی دردسزتری بپذیرد کمک وان را تقویت نمایند. کنوانسیون های شماره ۹۸ و ۸۷، دو تا از کنوانسیون های مرکزی ILO می باشند که ناظرند بر آزادی تشکل، مصونیت حق متشکل شدن و عقد قراردادهای دسته جمعی که جمهوری اسلامی نیز قبلا خواستار امضای این مقاله نامه ها شده بود و برای اثبات رعایت مفاد این مقاله نامه ها گزارش مشروعی نیز به ILO ارائه کرده بود که در آن از شوراهای اسلامی کار و خانه کارگرنیز به عنوان تشکل های آزاد و مستقل کارگری یاد کرده بود. اکنون نمایندگان ILO آمده بودند تا از نزدیک قضایا را پی گیری کنند، زمینه های عملی شدن کنوانسیون ۸۷ را بررسی کنند تا در طی یک رشته گفتگو

های خصوصی با دست اندرکاران این مسائل، شاید بتوانند فرمولی برای حل مشکل جمهوری اسلامی در مورد تشکل های کارگری پیدا کنند. "برنارد جرنیکان" در دیدار با خواجه نوری معاون روابط کار و وزارت کار، هدف هیئت های اعزامی را چنین فرمول بندی کرد، "هدف از حضور ما، کمک به ایجاد تشکل های آزاد و مستقل است. پیدا کردن ابزارهای آشتی دادن اصول مورد نظرسه گروه نمایندگان کارگر، کارفرما و دولت با اصول سازمان بین المللی کار یکی از ابزارهای رسیدن به این هدف است" او اضافه کرد "ما برای مطالعه و بررسی نحوه ی عملی کردن مقاله نامه ۸۷ سازمان متبوع خود در ایران حضور یافته ایم" نام برده از این زاویه بر آزادی تشکل های کارگری و لحاظ کردن روند دمکراتیک در تصمیم گیری این تشکل ها اشاره و تاکید نمود، که این تشکل ها بتوانند نقش خود را در انتقال اوضاع واقعی محیط های کار به کارفرمایان و جلوگیری از تشنجات به خوبی ایفا کنند. او در این زمینه گفت نمایندگان واقعی کارگران می توانند با انتقال نظرات واقعی کارگران به کارفرمایان نقش خود را به خوبی ایفا کنند تا از بروز مشاجرات احتمالی بین آنها جلوگیری شود" (ایسنا).

بدین ترتیب روشن می شود که حضور نمایندگان ILO در ایران، در اساس برای به دست آوردن یک ارزیابی دقیق تر از تشکل های موجود و بررسی شرایط و امکانات ایجاد "تشکل های آزاد و مستقل" است، البته در راستای پیشبرد سیاست های عمومی سرمایه بین المللی و تضمین شرایط و محیط امنی که از بروز مشاجرات میان کارگر و کارفرما جلوگیری شود! سخنان نمایندگان ILO چه در زمینه استقلال تشکل های کارگری از دولت و توضیح فرق مشارکت دولت در این تشکل ها با مداخله آن، چه در مورد ساختار دمکراتیک این تشکل ها و حق اتحادیه های صنفی در تدوین سیاست های دولت که به امور کارگری مرتبط است وجه در مورد حدود و دامنه فعالیت این تشکل ها و توضیح حد و مرز و فعالیت های صنفی و سیاسی، هر چند فوق العاده اداری و دو پهلو بود و هر چند با زبان سوپر دیپلماتیک و محافظه کار بیان گردید، با این همایش موضوع تلویحاً روشن شد که در شرایط جدید و طبق نرم های ILO، این سازمان صرفاً نمی تواند به خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به صورت فعلی شان بسنده کند و این ارگان ها در حال حاضر مختصات و شرایط مورد نظر و مطلوب آنها را به طور کامل و صد در صد تامین نمی کند.

سوی سخنان سلامتی معاون بین المللی وزارت کار که تماما با نمایندگان ILO موافق بود و در زمینه فعالیت سیاسی تشکل های کارگری نه دو پهلو، که خیلی صریح عنوان کرد که تشکل های کارگری ولو آنکه عرفاً در ایران فعالیت سیاسی داشته اند اما نباید فعالیت سیاسی داشته باشند و این موضوع را یکی از ضرورت های انطباق شرایط حاکم بر روابط کار در ایران با استانداردهای بین المللی شمرد، سخنان مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار نیز چه در همایش یاد شده و چه در خارج از آن گرچه همراه بایک رشته نق زدن ها و گرچه اینجا و آنجا با این تلاش همراه بود که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را به

عنوان تشکل های با نفوذ کارگری که با معیار های ILO همخوانی دارد جابزنند، امارد کلیت خود حاکی از یک عقب نشینی آشکار و پذیرش شرایط جدید بود.

به عنوان مثال محبوب دبیر کل خانه کارگر در دیدار با تاپیولار، تلویحاً اعتراف می کند که ساختار شوراهای اسلامی خانه کارگر در حال حاضر با معیارهای ILO تطابق ندارند و قبل از آنکه تغییرات لازم در این تشکلات فراهم شود که البته این تغییرات باید به تدریج انجام گیرد، پیوستن جمهوری اسلامی به مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ را یک امر "نمایشی" می داند و می گوید "خانه کارگر تلاش کرده است این شرایط به طور طبیعی فراهم شود و لذا در این راستا به ایجاد ساختار جدید تشکیلاتی کارگران که در واحدهای کوچک، بزرگ و متوسط فعال باشد اقدام کرده است" واقعیت این است که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار هیچگاه تشکل های آزاد و مستقل کارگری و هیچ گاه مورد اعتماد کارگران نبوده اند و نه فقط این که مثل روز روشن است، توده کارگران از این تشکل ها متنفرند و خواستار انحلال آنها هستند. این را فقط توده کارگران نمی گویند، حتی خود دست اندر کاران این تشکل ها بارها بارها گفته اند و چندین سال است به الحان مختلف دارند آن را تکرار می کنند. گفته اند که کارگران هیچ رغبتی به این تشکل ها ندارند. گفته اند که این تشکل ها هیچ "جنبه ای برای کارگران ندارد و گفته اند که از دست این تشکل ها دیگر کاری ساخته نیست. کارگران نسبت به این تشکل های دست ساز رژیم که از آغاز هم به عنوان ارگان های جاسوسی و اطلاعاتی در محیط های کارگری عمل کرده اند و به عنوان عمال و کارگزاران دولت و کارفرما حداکثر تلاش خود را برای ممانعت از مبارزات کارگری و انحراف این مبارزات در راستای تامین منافع صاحبان سرمایه به کار بسته اند، هیچگونه توهمی ندارند. در ضد دمکراتیک بودن شوراهای اسلامی کار همین قدر کافی است که گفته شود، کسی که کاندیدای عضویت در شورای اسلامی می شود، باید به نظام ولایت فقیه اعتقاد داشته باشد، نماینده کارفرما و نماینده دولت (وزارت کار) صلاحیت وی را تأیید کند و نه فقط این، افتضاح این ارگان ها آنقدر بالا گرفته است که امروز دبیر کانون عالی شوراهای اسلامی کار نیز اعتراف می کند که در مورد صلاحیت کاندیداتوری افراد، دستگاههای امنیتی نیز نظر می دهند! شاید اگر هنوز در اوایل کار، این تشکل ها در میان بخشی از کارگران نفوذ داشتند و سرمایه دار می توانست روی نقش این تشکل ها در ایجاد تفرقه و دودستگی در میان کارگران و خراب کاری و سنگ اندازی بر سر راه اتحاد کارگران حساب کند، امروز اما آنقدر مفتضح شده اند که دیگر نه فقط نمی توانند به شکل گذشته به ایفای نقش بپردازند بلکه حتا به این موضوع که شوراهای اسلامی ابزاری در دست دستگاههای اطلاعاتی رژیم بوده اند نیز اعتراف می کنند. سرمایه دار و کارفرما وقتی که پشت میز مذاکره می نشیند تا با نمایندگان کارگران بر سر مطالبات آنها وارد چانه زنی شود، می خواهد اطمینان داشته باشد که افرادی که روبروی او نشسته اند آنقدر اعتبار در میان کارگران دارند که بتوانند به حرف های خود و توافقات حاصله عمل کنند.

اما نه فقط کارگران، بلکه سرمایه داران هم می دانند که چنین نیست و خانه کارگرو شوراهای اسلامی کار فاقد چنین خصوصیتی هستند. کارفرمایان و دولت آنها مکرر شاهد بوده اند که خانه کارگرو شوراهای اسلامی کار حرفی می زنند و کاری می کنند، اما توده کارگران حرف خود را می زنند و کار خود را می کنند که کارفرما این را نمی خواهد. مسئله صرفا این نیست که شوراهای اسلامی کار، تشکلهای واقعی کارگری نیستند و در هر کارخانه ای که هستند کارگران آن کارخانه را نمایندگی نمی کنند، مسئله این هم هست که شورای اسلامی کار که طبق قانون کار می توانست در واحدهای بالای ۳۵ کارگر ایجاد شود و حدود ۸۵۰۰ واحد مشمول این "شوراها" می شد فقط در ۳ هزار واحد شکل گرفت و در حدود دو سوم این واحدها همچنین بخش های بزرگی چون نفت، پتروشیمی، گاز، نیرو، آب و فاضل آب و امثال آن، چنین ارگان هایی بوجود نیامد که بخواند کارگران را نمایندگی بکند یا نکند! افزون بر این میلیون ها کارگر و به عبارتی بخش اعظم کارگران ایران در کارگاه های با کمتر از ۳۵ کارگر کار می کنند که وضعیت حقوقی و نمایندگی آنها در مسائل مربوط به روابط کار و کارفرما و امور کارگری به کلی نامعلوم است و نمایندگان ILO نیز بخش با نکیه به همین موارد است که اصرار دارند این بخش از کارگران نیز باید به حساب آورده شوند و تشکلی داشته باشند تا بتوانند در امور کارگری روابط کارگر و کارفرما مشارکت داشته باشند و ضوابط معینی بر فعالیت آنان حاکم باشد تا در عین حال طبقه سرمایه دار نیز با کسب تصور و شناخت واقعی تر از تمام بخش های کارگری، قادر به پیگیری اهداف خود در جوی مطمئن تر و به دور از تشنج باشد. در این که تشکل های وابسته موجود یعنی شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر در شکل کنونی پاسخگویی نیازهای لحظه فعلی نیستند و باید تغییراتی صورت بگیرد و با تشکل های جدیدی ایجاد شود، همه توافق دارند. سران شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر، تمام تلاششان این است که این تغییرات به تدریج انجام شود تا آنان بتوانند در عین حفظ این ارگان ها ولو با انجام تغییراتی، خودشان را با وضعیت جدید وفق دهند. این دست آن دست کردن آنان صرفا از این زاویه است. دولت و نمایندگان آن در وزارت کار، مصر هستند که این تغییرات هرچه سریع تر انجام شود حتی از صحبت کردن پیرامون انحلال این ارگان ها نیز باکی ندارند. آنان دنبال این هستند که موانع سرمایه گذاری ها خصوصا سرمایه گذاری های خارجی را هر چه زودتر از سر راه بردارند. سرمایه داران نیز که جدا از دولت نیستند و دنبال محیط امن و آرامش در واحدهای تولیدی اند تا مدیریت بتواند فارغ از مزاحمت های گاه و بیگاه این ارگان ها و فارغ از دغدغه و تشنج، استثمر کارگران را سازمان دهد، از حاکم شدن ضوابطی که این شرایط را تامین کند استقبال می کنند. نمایندگان سازمان بین المللی کار گرچه نقشی دو پهلو بازی می کنند و همه جا حرف های کلی و بورکراتیک و اداری بر زبان می رانند، اما در واقع دنبال کسب اطمینان و تضمین های بیشتر و سفت تر کردن جای پای طرح های انحصارات مالی هستند.

می ماند کارگران. کارگران ایران بهتر از همه ی طرف های دیگر، ماهیت تشکل های رژیم را شناخته و به نقش ضد کارگری آنها واقفند. از این رو قویا خواهان انحلال شوراهای اسلامی و خانه کارگرنند. کارگران خواهان تشکل های واقعا آزاد و واقعا مستقل خویش اند. کارگران خواهان آنند که تشکل های واقعی و سرتاسری خود را داشته باشند. در لحظه کنونی اگر چه ممکن است جنبه هایی از خواست کارگران با خواست دولت و دوم خردادیها و یا با آنچه نمایندگان ILO مطرح می کنند، مشابهت هایی داشته باشد، اما این تشابه، اساسا در شکل است نه در محتوا و مضمون. هر کارگری و به ویژه هر کارگر آگاهی می داند که فرضامخالفت کارگر با شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر، با مخالفت نمایندگان دولت، به کلی متفاوت و در نهایت معطوف به منافع طبقاتی دو طبقه متضاد است. سازمان بین المللی کار نیز در کلیت خود از منافع سرمایه جهانی دفاع می کند. هر چند که کنوانسیون های مرکزی ILO که بخشا دستاوردهای طبقه کارگر جهانیست و بسیاری از آنها در جمهوری اسلامی اجرا و رعایت نمی شود و به یک معنا جاری شدن واقعی همین معیارها برای کارگران ایران گامی به جلو محسوب می شود، معهدا نباید این موضوع را فراموش کرد که این ارگان نیز در عمل نشان داده است که با دولت ها می تواند به زد و بند بپردازد و حتی معیارهای مورد قبول خود را نیز به معامله بگذارد. تشکل کارگری که سازمان ILO بخواند ایجاد کند، چه به کمک خانه کارگر و شورای اسلامی کار، چه مستقل از این تشکل ها، در حال تشکل مستقل و آزاد کارگری نخواهد بود. تشکل مستقل کارگری تشکلی نیست که از بالا و توسط این یا آن ارگان ایجاد شود. تشکل مستقل کارگری تشکلی است که از پایین توسط خود کارگران و به ابتکار توده کارگران ایجاد شود. کارگران خواهان برپایی چنین تشکل هایی هستند. کارگران باید با هوشیاری تمام، مستقل از دولت، مستقل از تشکل های رژیمی، و مستقل از سرمایه داران، تشکل های توده ای واقعا مستقل و واقعا آزاد کارگری را مطرح کنند و تشکل های سراسری خود را بنانند.

کمک های مالی رسیده

فرانسه

برای برنامه ۵۰ یورو

هامبورگ

خاوران ۱۰ یورو
پویان ۴۰ یورو
مازیار ۶۰ یورو

هلند

رفیق علی اکبر صفائی فراهانی ۱۰۰ یورو
رفیق علی اکبر صفائی فراهانی ۵۰ یورو